اسهلیت در لهجه معیاری برای قرائت مختار

شاگرد: در آن زمان چون بحث لهجه قوی بوده، هر کسی به لهجه خودش یک چیزی را می گفته. مثلا زبان یک نفر در «ضُعف» نمی چرخد؛ مثلا وقتی میخواهد تند بخواند و برای خودش ختم کند – کسی مدعی است 18 هزار بار ختم کرده - زبانش نمی چرخد. با اینکه آن قرائت را قبول دارد اما آن را نمی خواند.

استاد: فلذا یکی از مهمترین مباحثی که شاهد خیلی قوی آوردیم، حرف خود نافع بود. در کتب قرائات بود که نافع به احدی نمیگفت که مختار من این است. هر کسی نزد او میآمد، «كان نافع رحمه الله يقرئ الناس بالقراءات كلها[1]»؛ اگر کسی به او میگفت که مختار خودت کدام است، میگفت که مختار من این است. بعد به او اعتراض کردند «أتقرئ الناس بجميع القراءات؟» و لک مختار مثلا، گفت «سبحان الله العظيم، أأحرم من نفسي ثواب القرآن؟»؛ همه آنها قرآن است، من خودم را از آنها محروم کنم؟! در اینجا اختیار بهمعنای همینی است که شما میفرمایید. یعنی یک چیزهایی بود که نافع در فضای تألیف خودش آنها را میپسندید. آن هم نه از باب صواب و خطا. بلکه به قول ابن جزری از باب انس است. از باب اسهلیت است. از باب الدینیت، انواع چیزهایی که او در نظر میگرفت.

---

[1]جمال القراء وكمال الإقراء (ص: ۵۳۲)

بازبینی #2
ایجاد شده 4 آوریل 2024 12:26:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2024 10:17:26 توسط ... .